

«بنام خدا»

# ادله اثبات دعوی

دکتر سید حسین تهامی

ویرایش ۱۴۰۳

با کمال افتخار و با تمام وجود، این کمترین، تقدیم به سلامت مقدس و نورانی  
خانم حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

استفاده از مطالب این اثر برای عموم آزاد و رایگان می باشد.

یقیناً اثر فعلی دارای نواقصی است؛ لذا پذیرای پیشنهادات و انتقادات  
دانشجویان و حقوقدانان بزرگوار، جهت بهبود و رفع ایرادات خواهیم بود.

[Tahami.lawyer@gmail.com](mailto:Tahami.lawyer@gmail.com)

جهت استفاده از دیگر جزوات

 [https://eitaa.com/LAW\\_TAHAMI](https://eitaa.com/LAW_TAHAMI)

 [https://t.me/law\\_tahami](https://t.me/law_tahami)



موضوع	صفحه
کلیات	۳
سند	۱۰
شهادت	۲۳
قسم	۳۳
اقرار	۴۱
امارات	۴۸
کارشناسی	۴۹
معاینه محل	۵۵
تحقیق محلی	۵۶

از حیث ماهوی مواد ۱۲۵۷ تا ۱۳۳۵ قانون مدنی

از حیث شکلی مواد ۱۹۴ تا ۲۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی

عمده قوانین قابل اعمال

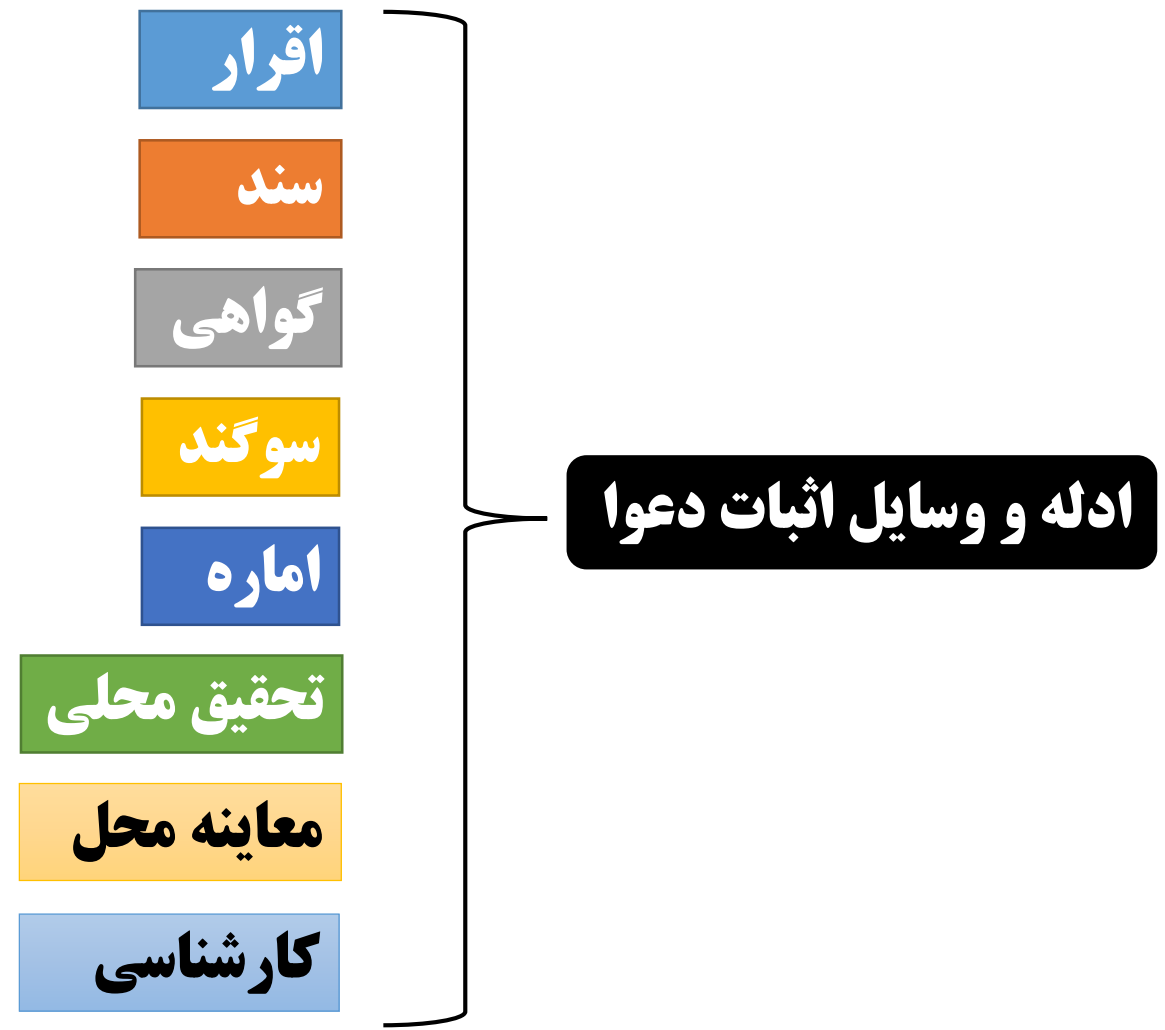
ماده ۱۹۴ ق.آ.د.م دلیل را چنین تعریف کرده است: دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا، به آن استناد می نمایند.

تعریف دلیل

**ارتباط دلیل و باور درونی دادرسی؛** اگرچه دلیل معمولاً باید موجب اقناع وجدان دادرسی شود، اما در مواردی مانند اقرار و سوگند و شهادت، دادگاه به دستور قانون مکلف به واقع شمردن این دلایل است و ممکن است موجب اقناع وجدان قاضی نگردد.

**ارتباط دلیل و واقعیت؛** اصل این است که دلیل، باعث نمایاندن واقعیت می گردد؛ ولی در بعضی موارد، با ارائه دلیل، امری واقع نمایانده می شود که واقعی نیست، مانند مطالبه چکی که قبلاً وجه آن پرداخت شده ولی لاشه آن نزد طلبکار باقی مانده است.

ویژگی های دلیل در حقوق



نظام های مبتنی بر ادله قانونی؛ در این نظامها ارزش ادله توسط قانون مشخص گردیده و دادگاه مکلف است براساس توان اثباتی هریک از ادله، اقدام به صدور رای نماید و باور درونی دادرس در آن نقش چندانی ندارد.

**نظامهای ارزش گذاری ادله**

نظام های مبتنی بر اقناع وجدان قاضی که هدف آن اقناع وجدان قاضی است.

که این امور حکمی  
را استثنائاً، مدعی  
باید اثبات نماید

قاعده عرفی

قانون خارجی

احوال شخصیه سایر مذاهب

مربوط به امور موضوعی است مگر

موضوع دلیل

موضوع دلیل، مربوط به امور انکار شده است؛ یعنی دلیل برای اثبات موضوعی است که مورد انکار واقع شده است؛ البته در مواردی علیرغم عدم انکار خواننده، به علت غایب بودن وی، یا رعایت تشریفات قانونی مدعی ناگزیر از اثبات موضوع در دادگاه است، مثل الزام به تنظیم سند شخصی که اتومبیلی را با سند عادی فروخته و قبل از انتقال رسمی، به مسافرت رفته است و امکان حضور برای تنظیم سند را ندارد.

فرض بر این است که امور حکمی (مستندات قانونی) را قاضی می‌داند؛ لذا مدعی صرفاً امور موضوعی (اعمال حقوقی مثل قرارداد یا وقایع حقوقی مثل اطلاق و غصب و...) را باید اثبات نماید و قاضی مکلف به تطبیق موضوع با حکم است؛ بطور مثال، در بحث ورود خسارت به دیگری، کافی است، متضرر، ورود خسارت را اثبات نماید (امر موضوعی)؛ اما بررسی این که این گونه خسارات، قانوناً قابل مطالبه است یا نه و مستند آن چیست؟ (امور حکمی) برعهده دادگاه است. یا در انعقاد یک قرارداد، طرفین باید ثابت نمایند قراردادی منعقد شده است، اما اینکه این قرارداد مطابق قانون معبر است یا خیر و چه آثاری بر آن بار می‌گردد (امور حکمی) برعهده دادگاه است.

مرتبط بودن دلیل با موضوع خواسته

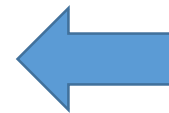
موثر بودن دلیل بر فرض اثبات، مثلاً در مواردی اثبات بیع نسبت مال توقیف شده نمی‌تواند موثر باشد

قابل پذیرش بودن دلیل، مثلاً اقرار به ابوت شخصی که هم سن مقرر است، قابل قبول نیست.

شرایط رسیدگی به دلیل

بار دلیل بر عهده مدعی است (البینه علی المدعی).

قاعده کلی



وظیفه ارائه دلیل هم در امور اثباتی (مانند وجود قرارداد، وجود طلب، وقوع خسارت و...) با مدعی است و هم امور عدمی (مانند اثبات عدم نزدیکی برای رهایی از اعمال اماره فراش) که در این موارد با اثبات امر ایجابی مقدر، مثل بیماری یا حبس زوج در مثال فوق، می‌توان امر عدمی (عدم نزدیکی) را اثبات نمود.

وجود برخی امارات قانونی، مانند اماره تصرف یا فراش، تا حدودی بار اثبات دلیل را از دوش مدعی برمی‌دارد.

نیازی نیست ارائه دلیل تا حدی باشد که باعث ایجاد قطع و یقین در قاضی گردد؛ بلکه همین مقدار که دلیل، باعث ظن معتبر برای وی گردد، کافی است.

تعدیلات قاعده اثبات دلیل توسط مدعی

## ارزیابی دلیل

ارزیابی دلیل عبارت از این است که دادرس، دلایل را به دقت بررسی نماید تا بتواند قانع شدن یا نشدن خود را نسبت به تحقق امر ادعایی مربوط و احراز شدن یا نشدن آن را اعلام کند.

## نقش اصول عملیه در صدور رای توسط دادگاه در موارد شک

در مواردی که نسبت به واقع امر، یقین یا ظن معتبری وجود ندارد؛ بلکه صرفاً ایجاد شک برای قاضی گردد؛ دادگاه برای تعیین تکلیف در حالت شک (و نه برای تعیین واقعیت امر) به اصول عملی متوسل شده و اقدام به صدور رای می‌نماید؛ لذا اصول عملیه در شمار ادله اثبات دعوی نیستند، بلکه صرفاً موجب فصل خصومت و اتخاذ تصمیم توسط قاضی و رهایی از سرگردانی می‌گردد؛ مثل شک در مدیون بودن یا نبودن خواننده دعوی که در صورت عدم وجود ادله کافی، دادگاه به استناد اصل عدم براءت ذمه، اقدام به رد دعوی خواهان می‌نماید. هرگاه موضوع را نتوان از طریق دلیل و اماره، اثبات نمود، می‌توان به سراغ اصول عملیه رفت.

اصل عملی عبارت از قاعده‌ای است که به هنگام شک در حکم واقعی، بدان عمل می‌شود؛ یا فرض‌های عقلی و بدیهی که در صورت تردید و شک در حکم واقعی، افراد را از تردید رهایی می‌بخشد.

اصل عدم: یعنی هیچ پدیده‌ای وجود ندارد و واقع نشده است؛ یا عدم حدوث آن  
واقعه یا حالت؛ مانند عدم ورود خسارت، عدم وقوع قرارداد، عدم پرداخت دین  
و...

اصل برائت (ماده ۱۹۷ قانون آ.د.م) این اصل از فروع اصل عدم است؛ اگر در  
وجود حق یا دینی، اعم از اینکه شبهه حکمیة باشد یا موضوعیة، شک شود؛ اصل  
برائت، عدم دین یا حق را اقتضا می‌کند.

اصل استصحاب (ماده ۱۹۸ قانون آ.د.م) یعنی باقی دانستن حالت یا وضعیت سابق،  
مانند استصحاب بقای دینی که وجود آن قبلاً ثابت بوده است. (استصحاب وجودی).  
با توجه به وجود اصل عدم، استصحاب عدمی زیاد کار آیی نخواهد داشت.

اصول دیگری مانند اصل تاخر حادث، اصل صحت یا اصل اصالت و اعتبار اسناد  
رسمی نیز در مواردی در صدور رای قابل استناد است.

برخی اصول عملی قابل استناد در صدور رای

بررسی امکان تحصیل دلیل از سوی دادگاه

قاعده کلی، منع تحصیل دلیل از سوی دادگاه است؛ ولی طبق ماده ۱۹۹ آ.د.م در صورت لزوم، دادگاه می‌تواند تحقیقات و  
اقدامات لازم در خصوص امور موضوعی مورد اختلاف را انجام دهد؛ بطور مثال می‌تواند رسماً اقدام به درخواست ارائه اسناد و  
اطلاعات از ادارات دولتی یا صدور قرار تحقیق محلی نماید؛ ولی در این زمینه، باید چارچوب کلی مربوط به قواعد هر یک از ادله  
را رعایت نماید.

## جایگاه علم قاضی

علم قاضی در صورتی معتبر است که از مجرای مفاد پرونده حاصل شده باشد، به همین دلیل، در ماده ۱۳۳۵ قانون مدنی آمده است: علم قاضی در صورتی معتبر است که مستند به اسناد یا امارات باشد. در ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است: در مواردی که مستند رای، علم قاضی است؛ وی موظف است قراین و امارات بین مستند علم خود را صراحتاً در حکم قید نماید. لذا در صورتی که در پرونده حقوقی، قاضی به علت دیدن یا شنیدن و... علم به موضوع داشته، ولی مدعی نتواند ادله‌ای دیگری برای اثبات ادعای خود ارائه نماید، چون صدور حکم برخلاف علم، باعث عذاب وجدان قاضی می‌گردد، وی می‌تواند قرار امتناع از رسیدگی صادر نماید.

## اصل

رسیدگی به دلایل علی‌الاصول در صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به دعوا است

در نیابت قضایی داخلی  
در نیابت قضایی بین المللی

علی‌الاصول قانون جدید حاکم است.

قوانین حاکم بر آیین، تهیه، ارائه و به کارگیری دلیل

تأثیر تغییر قوانین بر ادله اثبات دعوا

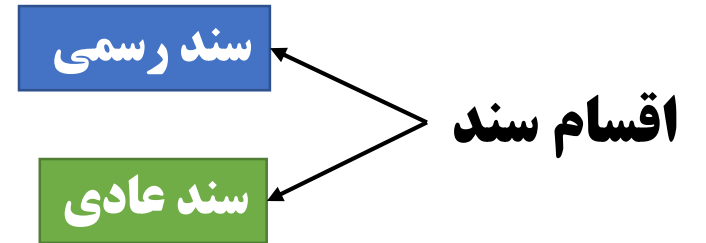
قوانین حاکم بر شرایط و ارزش ادله

ادله اقامه شده برای اثبات وقایع خارجی  
(علی‌الاصول ادله جدید حاکم است.)

ادله اقامه شده برای اثبات اعمال حقوقی  
(ادله زمان انعقاد قرارداد حاکم است.)

# سند

طبق ماده ۱۲۸۴ ق.م، سند نوشته ای است که در مقام اثبات ادعا یا دفاع، قابل استناد است.



تنظیم سند توسط ماموران رسمی

سند تنظیم شده در حدود صلاحیت شخص تنظیم کننده باشد.

در تنظیم سند مزبور، مقررات و تشریفات قانونی رعایت شده باشد.



قابلیت انکار و تردید را ندارند؛ اما قابلیت ادعای جعل را دارند؛ در حالی که نسبت اسناد عادی، هم قابلیت انکار و تردید و هم ادعای جعل وجود دارد.

تاریخ تنظیم اسناد رسمی، حتی در برابر اشخاص ثالث معتبر است؛ در حالی که تاریخ اسناد عادی، صرفاً بین طرفین معتبر است.

اسناد رسمی نسبت به تعهدات مندرج در آنها، لازم الاجرا است یعنی اجرای آن را علاوه بر دادگاه از اداره ثبت هم می‌توان خواست؛ اما اجرای تعهدات اسناد عادی را صرفاً از دادگاه می‌توان خواست.

## مزایای اسناد رسمی

## اعتبار سند رسمی

اصل سند رسمی

محتویات سند رسمی

مندرجات سند رسمی

اعلام‌های مامور رسمی که در سند درج می‌گردد.

اظهارات و اقرار افراد که توسط مامور در سند درج می‌گردد.

رونوشت یا روگرفت سند رسمی به منزله اصل است.

اصل بر معتبر بودن تمامی این موارد است مگر جعلیت آن ثبات گردد.

**محتویات هر سند**، عبارات، امضاها، مهرها و اثر انگشت و به طور کلی وجوه مادی است که در سند نوشته یا گذاشته می‌شود. **مندرجات**، مدلول یا مفاد و معنی اعتباراتی است در سند نوشته شده است، برخلاف محتویات که از امور مادی است؛ مندرجات از امور معنوی است.

# سند لازم الاجرا



ادله اثبات دعوی، دکتر سید حسین تهامی

سندی است که شخص ذی نفع برای اجرای مفاد آن، می‌تواند بدون نیاز در رجوع به محاکم دادگستری، از طریق اداره ثبت اسناد، مفاد آن را اجرا کند. شیوه اجرای مفاد این اسناد، تابع آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی است.

اسناد رسمی راجع به دیون مانند سند رهنی یا مهریه مندرج سند نکاحیه

اسناد رسمی راجع به اموال منقول، مگر مال منقول در تصرف شخص ثالثی بوده و او مدعی مالکیت آن باشد.

اسناد رسمی راجع به معامله املاک ثبت شده.

اسناد رسمی طبق مواد ۹۲ و ۹۳ ق. ت

قراردادهایی که در اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، بین بانک و مشتری منعقد می‌شود.

چک

برگه وثیقه انبارهای عمومی

هزینه‌های مشترک آپارتمان

اسناد عادی

## اسناد لازم الاجرا

برخی از آرای صادره از مراجع اختصاصی لازم الاجرا است؛ یعنی ادارات ثبت، مسؤول اجرای مفاد آرای مزبور دانسته شده‌اند؛ مانند: آرای هیأت داوری سازمان بورس

بقای اعتبار سند

عدم مخالفت با نظم عمومی و اخلاق حسنه

معامله متقابل کشور مقابل

موافق قانون محل تنظیم باشد

توسط مامورین کنسولی ایران (مثل اسناد سجلی ایرانیان خارج از کشور)

توسط مامورین رسمی سایر کشورها موضوع مواد ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶ قانون مدنی

وضعیت اسناد تنظیم شده خارج از کشور

توان اثباتی سند رسمی

**ماده ۴۶ ق.ت.ث:** ثبت اسناد اختیاری است مگر در موارد ذیل:

- ۱- کلیه عقود و معاملات راجع به عین یا منافع املاکی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شده باشد.
- ۲- کلیه معاملات راجع به حقوقی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شده است.

**ماده ۴۷ ق.ت.ث:** در نقاطی که اداره ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی موجود بوده و وزارت عدلیه مقتضی بداند ثبت اسناد ذیل اجباری است:

- ۱- کلیه عقود و معاملات راجعه به عین یا منافع اموال غیر منقوله که در دفتر املاک ثبت نشده.
- ۲- صلحنامه و هبه نامه و شرکت نامه

**ماده ۴۸ ق.ت.ث:** سندی که مطابق مواد فوق باید به ثبت برسد و به ثبت نرسیده، در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد.

در موارد فوق، قرارداد غیررسمی (سند عادی) باطل نیست؛ بلکه شخص ابتدا باید از طریق محاکم دادگستری، قرارداد خود را اثبات و الزام طرف مقابل را تنظیم سند رسمی را خواستار شود تا بتواند در محاکم و ادارات دولتی به آن اعتبار بخشد. البته براساس قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول مصوب ۱۴۰۳ ممکن است دادگاه این قراردادها را باطل تلقی نمایند.



اگر سندی هر یک از اوصاف سند رسمی را نداشته باشد، عادی است. اسناد تجاری (برات، سفته و چک)، اسناد تنظیمی در بنگاه‌های املاک مانند مبایعه‌نامه، اجاره‌نامه و قرارداد مشارکت در ساخت و دفاتر تجاری و سهام شرکت‌ها، بیمه نامه، فاکتور خرید، رسید دریافت وجه یا مال و... همگی سند عادی هستند؛ زیرا هیچ مأمور رسمی صلاحیتدار در تنظیم آن دخالت نداشته است.

امضا پس از تنظیم ← سند نسبت به امضاکننده معتبر و لازم‌الاجرا است

امضای دیجیتال که طبق ماده ۶ تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ معتبر است.

امضا به عنوان رکن سند عادی

وضعیت حقوقی سند سفید امضا

در صورتی که طبق توافق یا عرف نیابت در تکمیل آن محرز باشد، سند نسبت به امضاکننده معتبر است و الا ارائه‌کننده باید استحقاق خود را نسبت به مفاد آن به اثبات برساند

طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است، صدور آن را از مُنْتَسَبُ إِلَیْهِ تصدیق نماید.

در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده، فی الواقع امضاء یا مهر کرده است. (ماده ۱۲۹۱ ق.م)

اسناد عادی دارای اعتبار سند رسمی

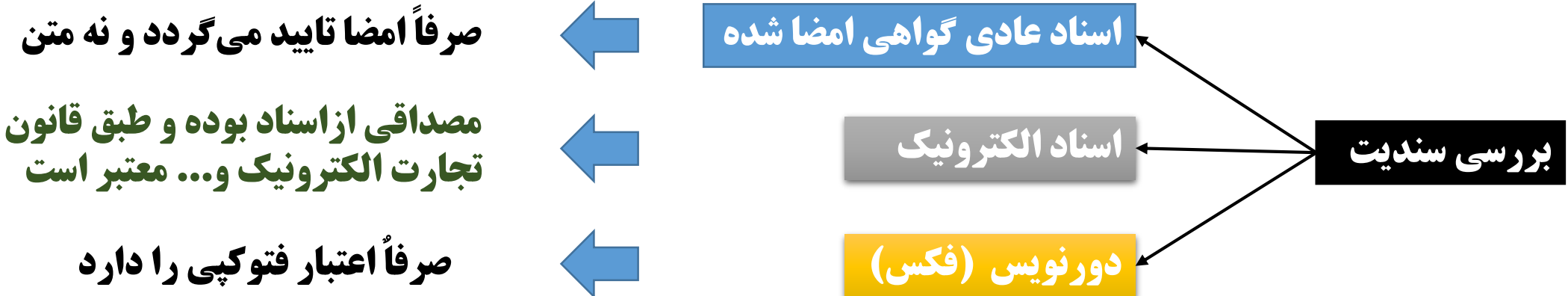
- ۱- دعوا بین دو تاجر باشد.
- ۲- دعوا مربوط به امور تجاری باشد.
- ۳- دفتر مطابق مقررات تنظیم شده باشد

**به نفع تاجر: در صورتی که**

**سندیت دفاتر تجاری**

**علیه تاجر: دفاتر در هر صورت به ضرر و علیه تاجر قابل استناد است زیرا به منزله اقرار علیه خودش است؛ ولی امکان تفکیک در استناد به آن وجود ندارد (ماده ۱۲۹۸ ق.م)**

**در صورت تعارض دفاتر دو تاجر با یکدیگر، موجب تساقط دلیلین و رجوع به سایر ادله اثبات دعوی است**



هرگاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی که در دست ابراز کننده بوده، مندرجاتی باشد که حکایت از بی اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند نماید، مندرجات مزبوره معتبر محسوب است اگر چه تاریخ و امضاء نداشته و یا بوسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد. البته در صورتیکه بطلان مندرجات مذکوره، ممضی به امضاء طرف بوده و یا طرف بطلان آن را قبول کند و یا آنکه بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبوره بلااثر خواهد بود. (مواد ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ ق.م.)

ماده ۱۲۸۸ ق.م: مفاد سند در صورتی **معتبر** است که مخالف قوانین نباشد.

ماده ۷۰ ق.ث: سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن **معتبر** خواهد بود؛ مگر اینکه مجعولیت آن سند ثابت شود.

ماده ۱۲۹۰ ق.م: اسناد رسمی درباره طرفین و وراثت و قائم مقام آنان **معتبر** است و **اعتبار** آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد.

ماده ۱۳۰۵ ق.م: در اسناد رسمی تاریخ تنظیم **معتبر** است، حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و ورثه آنان و کسی که به نفع او وصیت شده **معتبر** است.

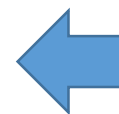
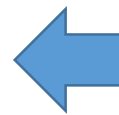
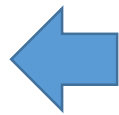
اعتبار به مفهوم ارزش سند

اعتبار به مفهوم اصالت سند

اعتبار به مفهوم تحمیل مفاد سند

اعتبار به معنی قابلیت استناد در مقابل اشخاص ثالث

مفهوم اعتبار سند



در تمام موارد زیر، برخلاف اصل کلی که مدعی باید دلیل ارائه دهد، مدعی می تواند تقاضای ارائه سند از طرف مقابل یا شخص ثالث را خواستار گردد و طرف مقابل یا شخص ثالث مکلف به ارائه سند هستند.



**دفاع ماهوی** در خصوص ماهیت و مدلول سند، مانند دفاع مبنی بر انجام تعهدات مندرج در سند، فسخ یا بطلان قرارداد، سقوط تعهد و...

دفاع در برابر اسناد

اظهار انکار و تردید

**دفاع شکلی** یعنی تعرض نسبت به اصالت سند

ادعای جعل

اگر شخصی خط، مهر، امضا یا اثر انگشتی را که **به او** منتسب شده نفی کند، آن را انکار گویند.

اظهار انکار

اگر شخصی خط، مهر، امضا یا اثر انگشت منتسب **به دیگری** را نفی کند، آن را تردید گویند.

اظهار تردید

ادعای ساختگی بودن تمام یا برخی از قسمت‌های یک سند، بدین نحو که نوشته یا امضایی به سند اضافه شده یا از آن حذف شده یا در آن تغییر داده شده است را ادعای جعل گویند.

ادعای جعل

در انکار سند منتسب به خود شخص است؛ ولی در تردید منتسب به دیگری است

تفاوت

صرفاً نسبت به اسناد عادی قابل طرح است (ماده ۲۱۶ آ.د.م)

انکار و تردید باید تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید (ماده ۲۱۷ آ.د.م)

تشابه

انکار و تردید

جعل مادی که مستلزم اقدام فیزیکی در سند است؛ مثل جعل امضا یا اضافه کردن مطلب و ...

جعل مفادی (معنوی) مانند اینکه مامور رسمی، اظهاراتی را برخلاف واقع در سند قید نماید، بطور مثال برخلاف اظهار فروشنده، قید گردد، ثمن معامله دریافت شده است.

انواع جعل

رای قطعی کیفری نسبت به اصالت یا جعلیت سند،  
برای دادگاه حقوقی متبع خواهد بود (م ۲۲۷ آ.د.م)

طرح شکایت کیفری



طرق ادعای جعل

اصلی (خواسته ای تحت عنوان اثبات جعل مستقلاً مطرح گردد)

تبعی (در مقابل استناد طرف مقابل به سند، ادعای جعل آن گردد)

طرح دعوی حقوقی

ادعای جعل ساده بدون تعیین جاعل

ادعای جعل مرکب با تعیین جاعل (ماده ۲۲۷ ق.آ.د.م)

اقسام ادعای جعل

**انکار و تردید از مقوله نفی است؛ اما ادعای جعل از مقوله ادعا می‌باشد.**

**انکار و تردید فقط نسبت به سند عادی قابل اعمال است؛ اما ادعای جعل هم نسبت به سند رسمی و هم نسبت به سند عادی، قابل طرح است.**

**در صورت انکار و تردید، بار اثبات اصالت سند، بر عهده شخصی است که به آن استناد کرده؛ اما در صورت ادعای جعل، بار اثبات جعلی بودن آن، بر عهده مدعی جعل است.**

**در صورت لزوم کارشناسی، در انکار و تردید، تأدیه حق الزحمه کارشناسی بر عهده شخصی است که به سند استناد کرده است؛ اما در ادعای جعل، تأدیه حق الزحمه کارشناس با مدعی جعل است.**

**ادعای جعل ممکن است ناظر به تمام سند یا بخشی از آن باشد؛ ولی انکار و تردید فقط می‌تواند ناظر به تمام سند باشد؛ چرا که شخص نمی‌تواند اصالت امضای خود را نسبت به بخشی از سند بپذیرد و نسبت به بخشی دیگر انکار یا تردید کند؛ مگر آنکه مدعی جعل سند باشد.**

**در صورت انکار یا تردید، استنادکننده به سند باید در همان جلسه اصل سند را ارائه کند؛ در غیر این صورت آن سند از اعداد دلائل او خارج می‌شود. اما در صورت ادعای جعل، ده روز فرصت وجود دارد.**

**اگر نسبت به سند ادعای جعل شود و جعلیت سند ثابت گردد، دادگاه در حکم صادره، نسبت به ابطال تمام یا بخشی از سند یا تغییر یا محو قسمت‌هایی از سند یا از بین بردن سند، دستور می‌دهد. اما در انکار یا تردید، دادگاه، با تکلیفی مواجه نیست.**

نسبت به اصالت آن سند تعرض صورت گرفته باشد.

دادگاه آن سند را در رسیدگی مؤثر تشخیص دهد.

شروط رسیدگی به اصالت سند

تطبیق مفاد سند با سایر اسناد

استماع شهادت شهود و تحقیق از مطلعین

روش های رسیدگی به صحت و اصالت سند

ارجاع امر به کارشناس در صورتی که موضوع دارای جنبه فنی و تخصصی باشد که از طریق استکتاب یا ارائه اساس تطبیق صورت می پذیرد.

مقایسه خط، امضا، اثر انگشت یا مهر مورد تعرض، با خط، امضا، اثر انگشت یا مهر شخص در اسنادی که منتسب به اوست و صدور آن اسناد توسط او مُسَلَّم است. به این اسناد مُسَلَّم الصدور، «اساس تطبیق» گفته می شود.

معنی

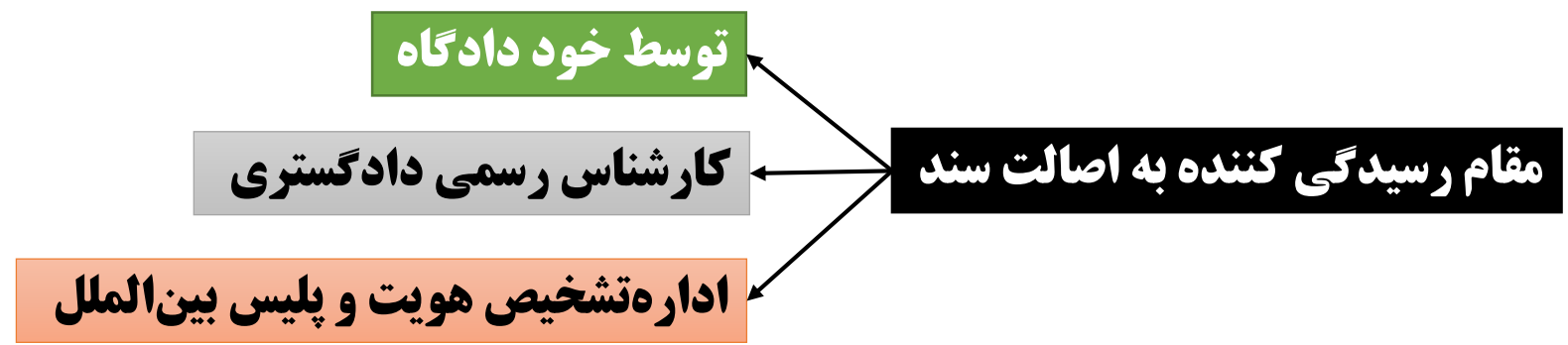
اساس تطبیق

اسناد رسمی

اسناد عادی مورد قبول طرفین

اسناد مشمول

اسناد عادی که قبلاً علیه طرف مقابل، مورد استناد قرار گرفته است و او نسبت به اصالت آنها، تعرض نکرده است.



کسی را که خط یا مهر یا امضا یا اثر انگشت منعکس در سند به او نسبت داده شده است، اگر در حال حیات باشد، می‌توان برای استکتاب یا اخذ اثر انگشت یا تصدیق مهر دعوت نمود. عدم حضور یا امتناع او از کتابت یا زدن انگشت یا تصدیق مهر، می‌تواند قرینه صحت سند تلقی شود. (ماده ۲۲۴ آ.د.م) یعنی می‌تواند اماره ای قضایی بر صحت سند باشد.

اگر ابتدا، ادعای جعل و سپس اظهار انکار یا تردید شود، فقط به ادعای جعل رسیدگی می‌گردد.

اگر ابتدا، اظهار انکار یا تردید و سپس ادعای جعل شود، فقط به ادعای جعل رسیدگی می‌گردد.

اگر ادعای جعل و اظهار انکار یا تردید هم زمان طرح شود، فقط به ادعای جعل رسیدگی می‌گردد.

تقدم و تأخر در تعرض  
نسبت به اصالت سند

در صورتی که ادعای جعل یا اظهار تردید و انکار نسبت به سند شده باشد، دیگر ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام هر نوع تعهدی نسبت به آن پذیرفته نمی‌شود و چنانچه نسبت به اصالت سند، همراه با دعوای پرداخت وجه یا انجام تعهد، تعرض شود فقط به ادعای پرداخت وجه یا انجام تعهد رسیدگی خواهد شد و تعرض به اصالت قابل رسیدگی نمی‌باشد. (ماده ۲۲۸ آ.د.م)

# شهادت (گواهی)

مواد ۲۲۹ تا ۲۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی

مواد ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ قانون مدنی

برخی مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ( مواد ۱۷۴ به بعد )

قوانین مورد استناد

شهادتِ اخبار به حقی است به نفع غیر و به ضرر شخص دیگر.

تعریف

شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی، به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضائی است. ( ماده ۱۷۴ ق.م.ا )

بینه به معنی اخص

=

گواهی

=

شهادت

**شهادت مستقیم (اصلی):** در این قسم از شهادت، شاهد، محسوسات مستقیم خود را از موضوع اختلاف بیان می‌کند.

**شهادت غیر مستقیم یا شهادت فرعی یا شهادت بر شهادت:** شاهد خود، امر مورد اختلاف را مستقیماً ندیده یا نشنیده یا حس نکرده است؛ بلکه محسوسات شخصی را بازگو می‌کند که وی شاهد موضوع بوده است.

**اظهارات افراد در تحقیق محلی:** این اظهارات ممکن است به صورت گواهی یا گواهی بر گواهی نباشد؛ بلکه افراد موضوعاتی که در افواه شنیده یا زمزمه‌هایی که دهان به دهان بازگو می‌شود را بازتاب می‌دهند، بی‌آنکه درستی آنها را تضمین کنند.

اقسام شهادت از حیث شیوه اِخبار

استفاده از این نوع شهادت در صورتی است که حضور شاهد اصلی مُتَعَذِّر (غیر ممکن) یا مُتَعَسِّر (سخت) باشد؛ مثل فوت، بیماری، سفر و حبس و... (ماده ۲۳۱ ق.آ.د.م و ۱۳۲۰ ق.م)

در صورت معذور بودن گواه از حضور در دادگاه و همچنین در مواردی که دادگاه مقتضی بداند می‌تواند گواهی گواه را در منزل یا محل کار او یا در محل دعوا، توسط یکی از قضات دادگاه یا با دادن نیابت به دادگاه محل اقامت وی استماع کند. اگر مبنای رای گواهی گواه باشد، امکان استناد به گواهی بر گواه وجود دارد (مواد ۲۴۴ تا ۲۳۶ ق.آ.د.م) تا یک درجه قابل استفاده است.

شهادت بر شهادت هم در امور جزایی ممکن است و هم در امور مدنی، چه مالی و چه غیر مالی؛ البته این نوع شهادت، فقط در امور حق الناسی ممکن است نه در امور حق الهی (ماده ۲۳۱ ق.آ.د.م)

قواعد شهادت بر شهادت

اوصاف لازم برای شاهد، در شهادت اصلی و فرعی، یکی است. (تبصره ماده ۲۳۱ ق.آ.د.م)

## شرایط گواه

بلوغ

سن بلوغ طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق.م برای دختران ۹ سال تمام قمری و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری در نظر گرفته شده است. هرچند در ماده ۱۳۱۴ ق.م به صورت اطلاق، سن بلوغ در خصوص شاهد را ۱۵ سال بیان نموده است.

عقل

شاهد باید عاقل باشد؛ ولی شهادت مجنون ادواری در حال افاقه صحیح است (ماده ۱۷۸ ق.م.ا).

ایمان

منظور از ایمان آن است که شاهد مسلمان باشد. با توجه به اطلاق ماده ۱۳۱۳ ق.م تفاوتی بین آنکه شاهد شیعه باشد یا اهل سنت، وجود ندارد؛ هرچند در فقه اختلاف نظراتی وجود دارد.

عدالت

عدالت آن است که شخص سابقه فسق یا اشتهار به فساد نداشته باشد (ماده ۱۸۱ ق.م.ا)؛ طبق تبصره ۱ ماده ۱۳۱۳ ق.م عدالت باید به اثبات برسد که عملاً تنها راه اثبات آن، شهادت بر عدالت شاهد است و حُسن ظاهر کافی نیست. (تبصره ماده ۱۹۵ ق.م.ا)

طهارت مؤلِد

به معنای آن است که شاهد حلال زاده باشد (ماده ۱۳۱۳ ق.م.ا)

عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از وی (تبصره ۲ ماده ۱۳۱۳ ق.م.ا)

عدم وجود خصومت بین شاهد و شخصی که **علیه او** شهادت می‌دهد (بند «چ» ماده ۱۷۷ ق.م.ا)

متکدی و ولگرد نبودن (بندهای «ح» و «خ» ماده ۱۷۷ ق.م.ا) و لگرد کسی است که مسکن و ماوای مشخص و وسیله امرار معاش و شغل و حرفه معینی ندارد (تبصره ۲ ماده ۴۵ ق.آ.د.ک)

## شرایط دیگر

عدم رابطه خویشاوندی، چون در قانون جدید نیامده، لذا استماع شهادت این اشخاص با مانعی روبرو نیست.

عدم رابطه خادم و مخدومی، چون در قانون جدید نیامده؛ لذا استماع شهادت این اشخاص با مانعی روبرو نیست.

## نکات

همه شروط پیش گفته، در زمان ادای شهادت لازم است و تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد.

شهادت اطفالی را که به سن ۱۵ سال تمام نرسیده‌اند؛ فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود؛ مگر در مواردی که قانون، شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد. (ماده ۱۳۱۴ ق.م.)

طبق نظر مشهور فقهای امامیه، شهادت ممیز تا زمانی که به حد رشد و بلوغ نرسیده است ارزشی ندارد؛ مگر در خصوص در قتل. البته در مقررات قانونی، رشد از شرایط گواه قید نشده است.

هرگاه شاهد در زمان تحمل شهادت، غیربالغ ممیز باشد، اما در زمان ادای شهادت، به سن بلوغ برسد، شهادت او معتبر است. (ماده ۱۷۹ ق.م.)

شهادت اشخاص غیر عادی، مانند فراموشکار و ساهی به عنوان شهادت شرعی قابل قبول نیست، مگر آنکه قاضی به عدم فراموشی، سهو و امثال آن در مورد شهادت علم داشته باشد. (ماده ۱۸۰ ق.م.)

شهادت اشخاص معتوه را نیز نباید پذیرفت، معتوه شخصی است که قدرت تمیز او از مجنون بیشتر اما از سفیه کمتر است.

قطع و یقین در گواهی (ماده ۱۳۱۵ ق.م)؛ لذا شهادت از روی ظن و احتمال کافی نیست.

مطابقت موضوع گواهی با موضوع ادعا (ماده ۱۳۱۶ ق.م) البته اگر در لفظ، اختلاف و در معنا موافق یا کمتر از ادعا باشد فاقد ایراد است؛ مثل اینکه ادعای تلف شده ولی شاهد، شهادت بر سوزاندن داده باشد.

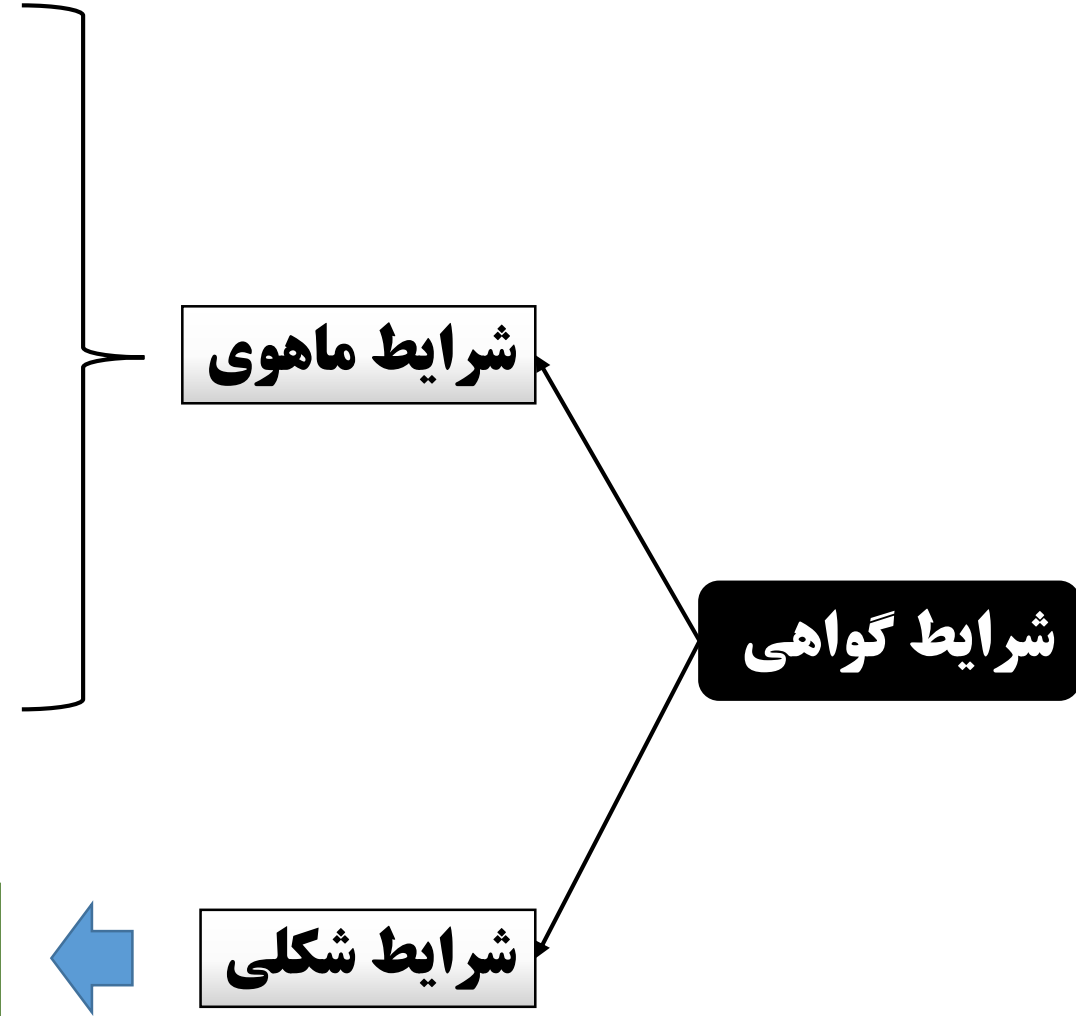
لزوم اتحاد مفاد گواهی گواهان (ماده ۱۳۱۷ ق.م) والا قابل ترتیب اثر نیست؛ مگر قدر متیقنی حاصل گردد. البته اگر اختلاف در خصوصیات و جزئیات، موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد، فاقد ایراد است (ماده ۱۳۱۸ ق.م)

علی الاصول شهادت باید به صورت شفاهی و نزد قاضی باشد. البته شهادت کتبی، در مواردی مورد تایید قرار گرفته است.

شرایط ماهوی

شرایط گواهی

شرایط شکلی

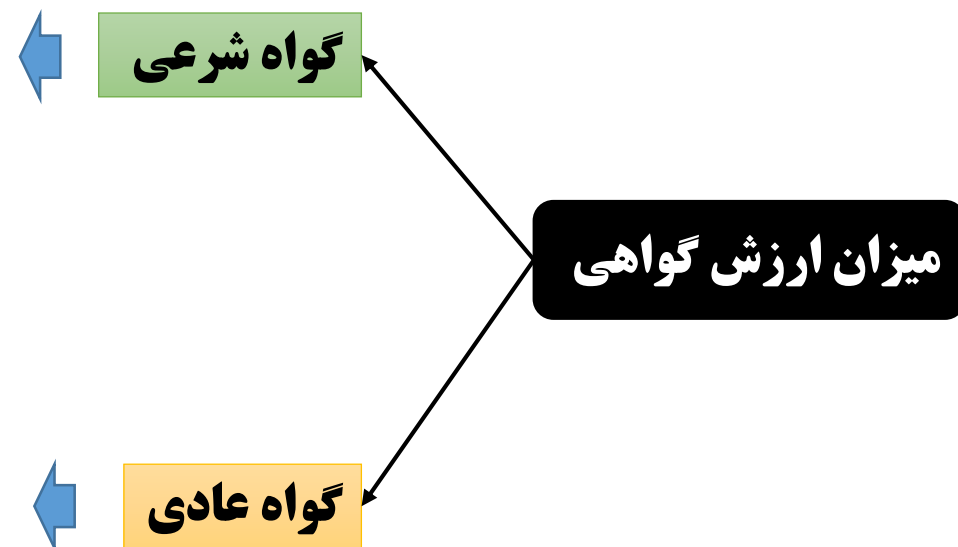


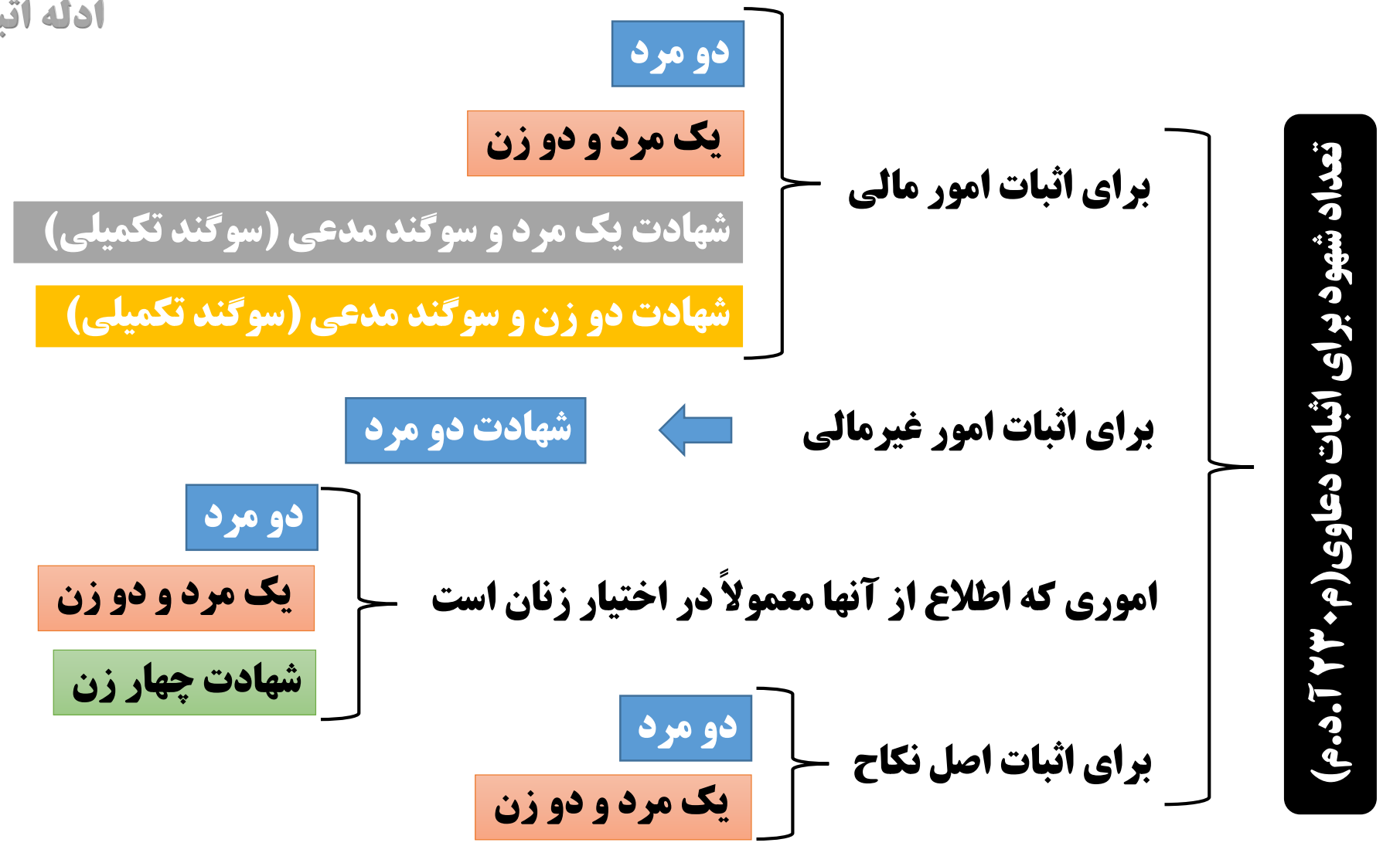
## ارزش و توان اثباتی گواهی

در حال حاضر ارزش اثباتی شهادت، محدودیت ندارد؛ به عبارت دیگر در حال حاضر با نسخ و ابطال مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۱ قانون مدنی که ارزش شهادت را محدود نموده بود؛ اگر تعداد و اوصاف گواه، طبق قانون برقرار باشد، توان اثباتی شهادت شهود با محدودیت خاصی مواجه نیست.

اگر تعداد و اوصاف شهود مطابق مقررات قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی (که برگرفته منابع فقهی است) موجود باشد؛ گواهی دلیلی قانونی است که قاضی ملزم است بنابر مدلول آن رأی صادر کند. در این حالت تشخیص ارزش اثباتی این گواهی با دادگاه نیست؛ بلکه شهادت در این حالت، یک دلیل قانونی است که قاضی ملزم به رعایت مفاد آن است.

اگر تعداد و اوصاف شهود مطابق قانون به شرح فوق برقرار نباشد؛ شهادت ایشان، دیگر مستقلاً دلیل قانونی نیست؛ بلکه نوعی اماره قضایی است. (ماده ۱۷۶ ق.م.ا. ۲۴۱ ق.آ.د.م. که تشخیص تأثیر شهادت را با دادگاه می‌داند، ناظر به همین حالت است؛ بنابراین حتی در صورت عدم وجود تعداد کافی و عدم برقراری اوصاف برای گواه، بازهم گواهی ایشان اگر به نظر قاضی در سطحی باشد که بتوان آن را اماره قضایی دانست، برای مزید اطلاع، قابل استماع است. در این صورت، استماع شهادت شهود، نیاز به سوگند ایشان ندارد.





امور مالی مانند دیون و دعاوی ناشی از قراردادهای مالی، وقف، اجاره، وصیت تملیکی، غضب، جنایات مستوجب دیه و...

امور غیر مالی مانند طلاق، رجوع از آن، بلوغ، عفو از قصاص، وکالت، وصیت عهدی، جرح و تعدیل شاهد و...

اموری که اطلاع از آنها معمولاً در اختیار زنان است؛ مانند ولادت طفل، بکارت، رضاع، عیوب درونی زنان و بلوغ دختران

## جرح و تعدیل گواه

جرح گواه

عبارت از شهادت بر فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد شرعی مقرر کرده است (ماده ۱۹۱ ق.م.ا).

تعدیل گواه

تعدیل شاهد عبارت از شهادت بر وجود شرایط مذکور برای شاهد شرعی است. (ماده ۱۹۱ ق.م.ا).

جرح گواه تشریفات خاصی ندارد.

جرح گواه قبل از ادای شهادت صورت می گیرد؛ مگر آنکه موجبات آن بعداً کشف شود (ماده ۱۹۳ ق.م.ا).

در جرح گواه باید علت جرح ذکر شود و مشخص گردد که کدام یک از اوصاف شهود، در شاهد مذکور مفقود است؛ ولی ذکر اسباب و جزئیات لازم نیست (ماده ۱۹۵ ق.م.ا).

اگر طرف دعوا برای جرح گواه از دادگاه تقاضای استمهال نماید؛ دادگاه حداکثر به مدت یک هفته مهلت خواهد داد (تبصره ماده ۳۳۴ ق.آ.د.م).

اگر پس از استماع شهادت شهود و قبل از صدور رأی معلوم شود که گواه فاقد اوصاف قانونی بوده است، شهادت شهود، به عنوان دلیل قابل استناد نیست و نهایتاً ممکن است اماره قضایی تلقی شود. (ماده ۱۹۷ ق.م.ا) اگر بعد از صدور رأی باشد از موارد تجدیدنظرخواهی و نقض است (ماده ۲۳۴ آ.د.م) و اگر بعد از قطعیت رأی باشد، به نظر از موارد اعاده دادرسی نیست.

آیین جرح گواه

طبق نظر فقهای امامیه و ماده ۱۹۷ ق.م.ا: «هرگاه دادگاه، شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد، شهادت را می‌پذیرد و در غیر این صورت، شهادت را شهادت شرعی محسوب نمی‌کند و اگر از وضعیت آنها اطلاع نداشته باشد تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز طول بکشد، رسیدگی را متوقف و پس از آن، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می‌کند مگر اینکه به نظر قاضی احراز شرایط در مدت ده روز ممکن نباشد.» بنابراین احراز شرایط شاهد، برای دادگاه الزامی است.

هرگاه گواهی شهود معرفی شده در اثبات جرح یا تعدیل شاهد با یکدیگر معارض باشد از اعتبار ساقط است. (ماده ۱۹۶ ق.م.ا)

در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود؛ برخلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود. (ماده ۱۳۱۹ ق.م.)

یقیناً اثر فعلی، دارای نواقصی است؛ لذا پذیرای پیشنهادات و انتقادات دانشجویان و حقوقدانان بزرگوار، جهت بهبود و رفع ایرادات خواهیم بود.

جهت استفاده از پاورپوینت دروس دیگر

 [https://eitaa.com/LAW\\_TAHAMI](https://eitaa.com/LAW_TAHAMI)



 [https://t.me/law\\_tahami](https://t.me/law_tahami)

جهت ارسال نظرات بزرگواران

 [Tahami.lawyer@gmail.com](mailto:Tahami.lawyer@gmail.com)

استنادکننده به شهادت شهود، باید اسامی شاهد را بیان نماید؛ ولی نیازی به پیوست استشهادیه کتبی نیست؛ مگر در رسیدگی به ادعای اعسار از هزینه دادرسی و اعسار از تادیه محکوم به

معمولاً دادگاه برای استماع گواهی، اقدام به صدور قرار استماع شهادت شهود می‌نماید که از جمله قرارهای اعدادی است.

صدور قرار استماع شهادت شهود، منوط به استناد یکی از طرفین بوده و شهادت نیز باید موثر در اثبات ادعا باشد.

دادگاه باید شهادت شهود را بدون حضور سایر شهودی که هنوز شهادت نداده‌اند، استماع کند. بعد از ادای شهادت، دادگاه می‌تواند از شهود، مجتمعاً تحقیق کند. (ماده ۲۳۵ آ.د.م)

شهود قبل از ادای شهادت سوگند یاد می‌کنند که غیر از واقعیت چیزی اظهار نکنند و تمام واقعیت را بیان نمایند. طبق تبصره ماده ۲۳۶ آ.د.م در صورتی که احقاق حق، متوقف به گواهی باشد و گواه حاضر به اتیان سوگند نشود، الزام به آن ممنوع است که این موضوع مبتنی بر مبانی فقهی است.

دادگاه نمی‌تواند شاهد را به ادای شهادت ترغیب یا منع کند یا او را در کیفیت شهادت، راهنمایی یا در بیان مطالب کمک نماید؛ بلکه موضوع شهادت را مطرح و او را در بیان مطلب آزاد می‌گذارد. (ماده ۲۴۰ آ.د.م)

قبل از ادای گواهی، دادگاه حرمت گواهی کذب و مسؤولیت مدنی آن و مجازاتی که برای آن مقرر شده است را به گواه خاطر نشان می‌سازد. (ماده ۲۳۶ آ.د.م)

# قسم (سوگند)

مواد ۲۷۰ تا ۲۸۹ ق.آ.د.م

مواد ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۵ ق.م

قوانین مرتبط

تعریف

سوگند قضایی، اخباری تشریفاتی است که شخص خداوند متعال را بر راستی اظهار خود، گواه می گیرد.

قسم = حلف = یمین = سوگند

انواع سوگند اثباتی

سوگند بتی

سوگند تکمیلی

سوگند استظهاری

انواع سوگند

سوگند عهدی مانند سوگند وکلا و پزشکان

سوگند اثباتی یا قضایی

## سوگند بتی

سوگند بتی، در مواردی کاربرد دارد که دعوی مدنی نزد حاکم به موجب اقرار یا شهادت یا علم قاضی یا بر مبنای اسناد یا امارات ثابت نشده باشد (ماده ۱۳۳۵ ق.م) و دلیل دیگری هم وجود نداشته باشد.

صدور قرار اتیان سوگند بتی منوط به درخواست مدعی است که برای اثبات ادعای خود دلیلی ندارد؛ بنابراین، قاضی نمی تواند رأساً مدعی علیه را سوگند دهد.

ادای سوگند بر عهده مدعی علیه است.

در کلیه امور حق الناسی چه در امور مالی و چه در امور غیرمالی از قبیل نکاح، طلاق، رجوع در طلاق، نسب، وکالت و وصیت کاربرد دارد (ماده ۲۷۱ آ.د.م) در حدود شرعی سوگند ممکن نیست، مگر در مورد جنبه خصوصی سرقت (ماده ۲۸۰ آ.د.م)

## شرایط و ویژگی ها

قبول و ادای سوگند

سقوط ادعای مدعی

اثبات ادعای مدعی

ادای سوگند توسط مدعی

سقوط ادعای مدعی

عدم سوگند توسط مدعی

رد سوگند به مدعی

واکنش مدعی علیه در برابر قرار اتیان سوگند بتی

نکول از قبول یا رد سوگند

در صورت سه بار نکول، در حکم رد سوگند به مدعی است.

سوگند بتی، قاطع دعوا است و با سوگند مدعی علیه، ادعای مدعی رد می‌گردد. (ماده ۱۳۳۱ ق.م)

اگر مدعی علیه سوگند را به مدعی رد کند و وی سوگند یاد کند، دعوایش اثبات شده و دلیل دیگری برای اثبات دعوی خود لازم ندارد.

اگر مستند حکم دادگاه، سوگند باشد؛ پس از استماع سوگند، هیچ اظهار منافی یا دلیل جدید دیگری قابل پذیرش نیست. (ماده ۱۳۳۱ ق.م)

آرای مستند به سوگند بتی، قابل تجدید نظر است؛ اما قابل فرجام نیست.

در مرحله تجدیدنظر اظهار منافی سوگند پذیرفته نمی‌شود؛ اما می‌توان با اثبات بطلان قرار اتیان سوگند، مثلاً به این دلیل که قاضی رأساً سوگند داده است؛ سوگند را بلااثر کرد.

سوگند فقط نسبت به اشخاصی که طرف دعوی بوده‌اند و قائم مقام آنها (مانند ورثه و منتقل‌الیه) مؤثر است. (ماده ۱۳۳۲ ق.م) البته در مواردی سوگند بتی، نسبت به برخی اشخاص ثالث هم می‌تواند دارای اثر باشد؛ مانند سوگندی که باعث سقوط دین بدهکار اصلی گردد که در حق ضامن وی نیز مؤثر است.

آثار سوگند بتی

## سوگند تکمیلی

اگر دلیل مدعی برای اثبات ادعایش شهادت شهود باشد و تعداد شهود او کامل نباشد، می‌تواند به سوگند تکمیلی استناد کند.

در صورتی استناد به سوگند تکمیلی، ممکن است که دلیل مدعی برای اثبات دعوایش، شهادت شهود است؛ اما تعداد شهود کافی نیست؛ بر خلاف سوگند بتی که در صورت فقدان دلیل قابل استناد است.

طبق ماده ۲۷۷ ق. آ. د. م در کلیه **دعاوی مالی** که به هر علت و سببی به ذمه تعلق می‌گیرد از قبیل قرض، ثمن معامله، مال الاجاره، دیه جنایات، مهریه، نفقه، ضمان تلف یا اتلاف و همچنین دعاوی که مقصود از آن مال است از قبیل بیع، صلح، اجاره، هبه، وصیت به نفع مدعی، کاربرد دارد.

صدور قرار اتیان سوگند تکمیلی منوط به درخواست مدعی است و قاضی نمی‌تواند رأساً سوگند دهد. ادای سوگند، نیز صرفاً بر عهده مدعی است.

سوگند تکمیلی، برخلاف سوگند بتی، قابل رد به طرف مقابل نیست؛ اگر مدعی از اتیان سوگند امتناع کند، به دلیل عدم کفایت ادله، حکم بر بی‌حقی او صادر می‌شود.

طریقه اتیان سوگند تکمیلی، به این نحو است که ابتدا شاهد یا شهودی که مدعی معرفی کرده است، شهادت می‌دهند و سپس مدعی سوگند یاد می‌کند. (ماده ۲۷۷ آ. د. م)

## شرایط و ویژگی‌ها

## سوگند استظهاری

سوگندی است که مدعی باید در دعاوی علیه میت، برای اثبات ادعایش یاد کند. ماده ۱۳۳۳ ق.م: در دعوی بر متوفی، در صورتی که اصل حق ثابت شده و بقاء آن در نظر حاکم ثابت نباشد؛ حاکم می‌تواند از مدعی بخواهد که بر بقاء حق خود قسم یاد کند.

این سوگند، فقط در دعاوی علیه میت قابل استفاده است. منظور از دعوا علیه میت آن است که منشأ دعاوی فعلی، رابطه حقوقی میان خواهان و متوفی بوده یا آنکه عملی بوده که مستند به متوفی است؛ البته دعاوی فعلی، باید به طرفیت وراثت متوفی طرح شود و ایشان خواندگان دعاوی فعلی هستند.

در دعاوی بر میت هر چند ادله مدعی کامل می‌باشد؛ اما اتیان سوگند استظهاری لازم است. البته دعاوی مستند به سند رسمی، مستثنی هستند (ماده ۱۳۳۳ ق.م) هر چند در قانون جدید به آن اشاره نشده است ولی اگر اصل حق و بقای آن با سند رسمی اثبات شود، نیازی به سوگند نیست.

در کلیه امور مالی و غیر مالی کاربرد دارد. (ماده ۲۷۸ آ.د.م)

بر خلاف سوگند بتی و تکمیلی، صدور قرار اتیان سوگند استظهاری، منوط به درخواست مدعی نیست و قاضی می‌تواند رأساً مدعی را سوگند دهد.

ادای این سوگند بر عهده مدعی است.

این سوگند نیز مانند سوگند تکمیلی و برخلاف سوگند بتی، قابل رد به طرف مقابل نیست؛ اگر مدعی از اتیان سوگند امتناع کند، به دلیل عدم کفایت ادله، حکم علیه او صادر می‌شود. (ماده ۲۷۸ آ.د.م)

اگر خود صاحب حق نیز فوت کرده باشد، هر یک از وراثت شخص صاحب حق، باید نسبت به سهم خود، سوگند یاد کنند. در این صورت دعوا نسبت به سهم ایشان اثبات می‌شود. (ماده ۲۷۹ آ.د.م)

## شرایط و ویژگی ها

## اتیان سوگند

اتیان سوگند منوط به صدور قرارى به نام قرار اتیان سوگند است. این قرار در شمار قرارهای اعدادی است.

در قرار اتیان سوگند، باید موضوع سوگند و شخصی که عهده دار اداء سوگند است، تعیین شود. در صورتی که سوگند از سوی منکر باشد، سوگند بر عدم وجود یا عدم وقوع ادعای مدعی، یاد خواهد شد و چنانچه سوگند از سوی مدعی باشد، سوگند بر وجود یا وقوع ادعا علیه منکر به عمل خواهد آمد. (ماده ۲۸۵ آ.د.م)

در سوگند بتی و تکمیلی قاضی نمی‌تواند، رأساً قرار اتیان سوگند صادر کند و صدور آن منوط به درخواست مدعی است. اگر قاضی رأساً چنین قرارى صادر کند و شخص را سوگند دهد، بر این سوگند هیچ اثری مترتب نیست (ماده ۲۸۳ آ.د.م) و از موارد نقض رای است. در سوگند استظهاری، قاضی می‌تواند رأساً و بدون درخواست مدعی سوگند دهد.

درخواست سوگند برخلاف سایر ادله که باید در دادخواست قید شود تا قبل از ختم دادرسی ممکن است. درخواست سوگند می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد. (ماده ۲۸۴ آ.د.م)

مدعی می‌تواند از درخواست اتیان سوگند رجوع کند؛ (ماده ۲۸۹ آ.د.م) اما بعد از اتیان سوگند، رجوع از این درخواست منتفی است.

اگر طرفین حاضر نباشند، دادگاه تعیین وقت کرده و طرفین را احضار می‌کند، در احضاریه علت حضور قید می‌شود. (ماده ۲۸۶ آ.د.م)

متن سوگند در دادگاه تعیین می‌شود و سوگند باید مطابق قرار دادگاه ادا شود.

سوگند با لفظ جلاله **والله**، **بالله** یا **تالله** یا نام خداوند متعال به سایر زبان‌ها، ادا می‌شود و فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان وجود ندارد (ماده ۲۸۱ آ.د.م)

سوگند به اشخاصی مانند سوگند به پیامبران یا سوگند به اماکن مانند سوگند به کعبه و سوگند به اشیا، سوگند قضایی محسوب نشده و فاقد اثر است.

اگر شخصی که اتیان سوگند بر عهده اوست به دلیل لال بودن یا لکنت زبان، قادر به تکلم نباشد، دادگاه به وسیله مترجم یا متخصص منظور او را کشف می‌کند (ماده ۲۷۶ آ.د.م)

اتیان سوگند باید در جلسه دادگاه رسیدگی کننده به دعوا انجام شود؛ اما اگر اداکننده سوگند به واسطه عذر موجه نتواند در دادگاه حاضر شود، دادگاه حسب اقتضای مورد، وقت دیگری را برای اتیان سوگند تعیین می‌کند یا دادرسی دادگاه نزد او حاضر می‌شود یا به قاضی دیگر نیابت داده می‌شود تا او را سوگند داده و صورت مجلس را برای دادگاه ارسال کند تا بر اساس آن رأی صادر کند.

## طریقه اتیان سوگند

تغلیظ ناظر به کیفیت سوگند، مثل افزودن صفات دیگری به نام خداوند

تغلیظ ناظر به مکان، مانند سوگند در مسجد

تغلیظ ناظر به زمان، مانند سوگند در وقت اذان

دادگاه می‌تواند سوگند را تغلیظ کند.  
(ماده ۱۳۲۸ مکرر ق.م)

سوگند قابل رجوع است و دادگاه بدون لحاظ کردن سوگند او تصمیم می‌گیرد.

رجوع از سوگند صرفاً به معنای بلااثر شدن سوگند است و به منزله اقرار به حق طرف مقابل نیست.

رجوع از سوگند

شخصی که سوگند یاد می‌کند باید دارای اهلیت باشد. اهلیتی که برای سوگند لازم است همان اهلیتی است که برای انجام موضوع آن لازم است؛ یعنی اگر موضوع سوگند، امور غیرمالی باشد، شخص باید دارای بلوغ و عقل باشد و اگر موضوع سوگند امور مالی باشد، باید دارای رشد نیز باشد.

از آنجا که سوگند قائم به شخص است؛ اشخاص حقوقی نمی‌توانند سوگند یاد کنند، همچنین سوگند توسط نماینده اعم از ولی قهری، قیم، وکیل و... قابل اتیان نیست. (ماده ۱۳۲۷ ق.م)

شرایط اداءکننده سوگند

در سوگند بتی اگر هر یک از مدعی یا مدعی علیه محجور باشند، استناد به سوگند بتی منتفی است؛ چرا که سوگند بتی می‌تواند بر عهده مدعی یا مدعی علیه قرار گیرد. در سوگند تکمیلی، اگر مدعی محجور باشد استناد به سوگند تکمیلی منتفی است؛ اما اگر مدعی علیه محجور باشد، استناد به سوگند تکمیلی ممکن است؛ زیرا این سوگند بر عهده مدعی است و محجوریت مدعی علیه، تأثیری در آن ندارد. در سوگند استظهاری اگر مدعی محجور باشد، استناد به آن منتفی است.

# اقرار

مواد ۲۰۰ تا ۲۰۵ ق.آ.د.م

مواد ۱۲۵۹ تا ۱۲۸۳ ق.م

قوانین مرتبط

تعریف

اقرار عبارت از اِخبار به حقی به نفع غیر و به ضرر خود (ماده ۱۲۵۹ ق.م)

اقرارکننده (مُقر)

شخصی که اقرار به نفع او شده (مُقرله)

موضوع اقرار (مُقربه)

ارکان اقرار

موضوع اقرار از امور موضوعی است نه امور حکمی؛ برای مثال شخص ممکن است به انعقاد یک قرارداد اقرار کند؛ اما توصیف حقوقی آن مثل بیع یا هبه یا صلح بر عهده قاضی است و امور حکمی، نمی‌تواند موضوع اقرار واقع شود.

اقرار باید مُنَجَز باشد. اقراری که مُعَلَّق به امری است، موثر نیست. (ماده ۱۲۶۸ ق.م.)

اقرار باید از روی قطع و یقین باشد والا اقرار از روی تردید باطل است؛ مگر آنکه قدر متیقنی وجود داشته باشد.

اقرار نیاز به قبول مُقر له ندارد؛ ولی اگر مُقر له مفاد اقرار را تکذیب کند، اقرار نسبت به او اثری ندارد. (ماده ۱۲۷۲ ق.م.)

مُقر باید نسبت به موضوع اقرار دارای اهلیت باشد (همان اهلیتی که برای اصل موضوع اقرار لازم است؛ مثلاً اقرار به زوجیت نیازمند رشد نبوده ولی اقرار به مهریه نیازمند رشد است) ماده ۱۲۶۲ ق.م.

مقر باید نسبت به موضوع اقرار و همچنین نسبت به مُقر له عالم باشد؛ البته در این خصوص، به دلیل ماهیت مبتنی بر ارفاق و تسامح اقرار، علم اجمالی کافی است و علم تفصیلی لازم نیست.

مُقر باید مختار باشد؛ لذا اقرار ناشی از اکراه باطل است.

مُقر باید دارای اراده‌ای آگاهانه باشد؛ بنابراین اقرار ناشی از اشتباه مُقر نسبت به دین یا اشتباه او نسبت به مقر له باطل است.

اقرار فضولی باطل است.

## ویژگی‌های و شرایط اقرار

## ویژگی‌های مُقر

اقرار شخص ورشکسته (مفلس) فی مابین مقر و مقرّ صحیح و نسبت به مقرّ مؤثر است؛ اما این اقرار در برابر غرما، غیر قابل استناد است. (مواد ۱۲۶۴ و ۱۲۶۵ ق.م.)

شرایط مقرّله

مقرّله می‌بایست موجود باشد. اقرار به نفع حمل منوط به زنده متولد شدن وی است (ماده ۱۲۷۰ ق.م.) و اقرار در مورد متوفی، در حق ورثه وی مؤثر است (ماده ۱۲۶۷ ق.م.)

مقرّله می‌بایست نسبت به موضوع اقرار، دارای اهلیت تمتع باشد و بتواند مالک آنچه به نفع او اقرار شده، بگردد. اما اهلیت استیفا لازم نیست. (ماده ۱۲۶۶ ق.م.)

مقرّله باید معلوم باشد. طبق ماده ۱۲۷۱ ق.م: مقرّله اگر به کلی مجهول باشد اقرار، اثری ندارد و اگر فی‌الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دو نفر معین، صحیح است.

شرایط مقرّبه

موضوع اقرار، مقرّله می‌بایست عقلاً و عادتاً ممکن و قابل تحقق باشد (مانند اقرار نسب فردی که با مقر، تنها ۵ سال اختلاف سن دارد) و منع قانونی (مانند اقرار به باخت در قمار) نداشته باشد. (ماده ۱۲۶۹ ق.م.)

موضوع اقرار باید مشروع باشد برای مثال شخصی نمی‌تواند اقرار کند که بابت خرید مشروبات الکلی مبلغی به دیگری مدیون است.

مقرّبه نباید به کلی مجهول باشد؛ یعنی حداقل علم اجمالی وجود داشته باشد.

# ادله اثبات دعوی، دکتر سید حسین تهامی

اقرار با الفاظ یا کتابت یا اشاره که به طور مستقیم و صریح دلالت بر قبول ادعای طرف مقابل و قبول حقی برای او داشته باشد.

شخص مقرر به طور صریح و مستقیم، نسبت به حق طرف مقابل اقرار نمی‌کند؛ بلکه به موجب لفظ، کتابت یا اشاره مطلبی بیان می‌دارد که مستلزم به رسمیت شناختن حق طرف مقابل است. مثل ادعای پرداخت دین که به منزله اقرار ضمنی به وجود دین است.

اقرار صریح

اقرار ضمنی

اقسام اقرار از حیث صراحت

اقرار جزئی (نسبت به قسمتی از موضوع ادعا)

اقرار کلی (نسبت به تمام مورد ادعا)

اقرار قاطع دعوا (اقرار به اصل دعوا)

اقسام اقرار از حیث قاطعیت

در این اقرار شخص به اصل خواسته اقرار نمی‌کند؛ بلکه نسبت به مقدمات آن اقرار دارد، مثل اقرار به اصالت چک مستند دعوی، با این قید که تضمینی است.

اقرار مقدماتی (اقرار به مقدمات دعوا)

اقرار کتبی ممکن است در یکی از اسناد یا لوایحی که به دادگاه تقدیم گردیده، اظهار شده باشد (ماده ۲۰۳ آ.د.م) یا به موجب سند رسمی یا دفتر تاجر و... باشد

اقرار کتبی

اقرار شفاهی ممکن است حین مذاکره در دادگاه به عمل آید (ماده ۲۰۴ آ.د.م) یا خارج از دادگاه باشد که با شهادت شهود قابل اثبات است (م ۱۲۷۹ ق.م)

اقرار شفاهی

اقسام اقرار از حیث شیوه

اقراری است که در نزد قاضی صورت می‌گیرد؛ اعم از شفاهی یا کتبی (ماده ۲۰۳ آ.د.م)



اقرار در دادگاه  
(اقرار قضایی)

اقرار خارج از دادگاه ممکن است به موجب یک سند رسمی یا سند عادی صورت گیرد؛ برای مثال قید دین در دفاتر تجاری یا به صورت اقرار شفاهی خارج از دادگاه باشد که با شهادت شهود برای دادگاه اثبات می‌شود.



اقرار خارج از دادگاه  
(اقرار غیر قضایی)

اقسام اقرار از حیث محل وقوع

احکام مستند به اقرار در دادگاه، قابل تجدیدنظر و فرجام خواهی نیست؛ ولی اگر مستند حکم، اقرار خارج از دادگاه باشد، رای قابل تجدیدنظر است.

اقرار هر شخص نسبت به خود او و قائم مقام وی (وراث یا منتقل الیه) مؤثر است. (ماده ۱۲۷۸ ق.م)

اگر مدیون اصلی فوت کرده باشد و برخی از ورثه او به وجود دین بر عهده مورثان اقرار کنند، اقرار هر یک از وارث، فقط نسبت به خودش مؤثر است و نسبت به سایر وارث مؤثر نیست.

اقرار قائم به شخص است؛ بنابراین نماینده، مانند وکیل نمی‌تواند نسبت به امور قاطع دعوا علیه منوب‌عنه خود اقرار کند. به همین دلیل اقرار وکیل علیه موکل نافذ نیست (ماده ۲۰۵ آ.د.م)

تأثیر اقرار نسبت به سایرین

## انکار بعد از اقرار

انکار بعد از اقرار مسموع نیست (ماده ۱۲۷۷ ق.م)؛ یعنی مُقر نمی‌تواند از اقرار خود رجوع و آن را تکذیب کند. در همین راستا با اینکه وصیت قابل رجوع است؛ اما اقرار ضمن وصیت قابل رجوع نیست.

اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود، آن اقرار اثری نخواهد داشت. (ماده ۱۲۷۶)

بطلان اقرار؛ یعنی مُقر ثابت کند که اقرار او فاسد بوده است؛ یعنی اقرار دارای شرایط صحت اقرار نیست. (ماده ۱۲۷۷ ق.م) مثل اقرار در حال جنون، مستی، اجبار و...

اشتباه در اقرار؛ یعنی مُقر ثابت کند که اقرار او مبتنی بر اشتباه بوده است و امر غیرواقعی را اخبار نموده، مثلاً اقرار به کشتن حیوانی نماید که مُرده بوده است. اشتباه ممکن است در شخص مُقره یا میزان دین و... باشد. اقرار مبتنی بر اشتباه نیز نوعی از اقرار فاسد تلقی می‌شود. (ماده ۱۲۷۷ ق.م)

اقرار بر مبنای عذر قابل قبول: اگر مقر ثابت کند که اقرار مبتنی بر عذر قابل قبول است؛ بطور مثال بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله‌ای بوده که وصول نشده است (ماده ۱۲۷۷ ق.م)

موارد بلااثر شدن اقرار

## اصل قاطع بودن اقرار

ماده ۱۲۷۵ ق.م: هر کس اقرار به حقی برای غیر کند، ملزم به اقرار خود خواهد بود.

ماده ۲۰۲ آ.د.م: هرگاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست.

**اقرار ساده:** یعنی مُقر، به همان امر مورد ادعای طرف مقابل اقرار می‌کند، بدون آن که قید و وصفی بر آن بیفزاید.

**اقرار موصوف (اقرار همراه با اضافه کردن یک صفت):** برای مثال ادعای خواهان ده تن برنج بوده است و خواننده نسبت به بدهکاری ده تن برنج درجه سه اقرار کند یا اقرار کند خودروی معیوب خواهان نزد وی امانت بوده است؛ چنین اقراری قابل تجزیه نیست. (ماده ۱۲۸۲ ق.م)

**اقرار مقید (اقرار همراه با اضافه کردن یک قید):** برای مثال ادعای خواهان ده تن برنج بوده است و خواننده نسبت به بدهکاری به ده تن برنج برای تحویل در اول تیر ماه سال آینده اقرار کند یا خواننده اقرار به امانت خودرو برای استفاده از آن نماید، چنین اقراری قابل تجزیه نیست. (ماده ۱۲۸۲ ق.م)

**اقرار مُرکب (اقرار همراه با اضافه کردن یک ادعا):** برای مثال ادعای خواهان ده تن برنج بوده و خواننده اقرار کند که ده تن برنج، بدهکار بوده است؛ اما تهاتر یا تحویل صورت گرفته است (ماده ۱۲۸۳ ق.م) در این فرض اقرار قابل تجزیه است و انقلاب دعوا اتفاق می‌افتد و مُقر باید ادعای خود را ثابت نماید.

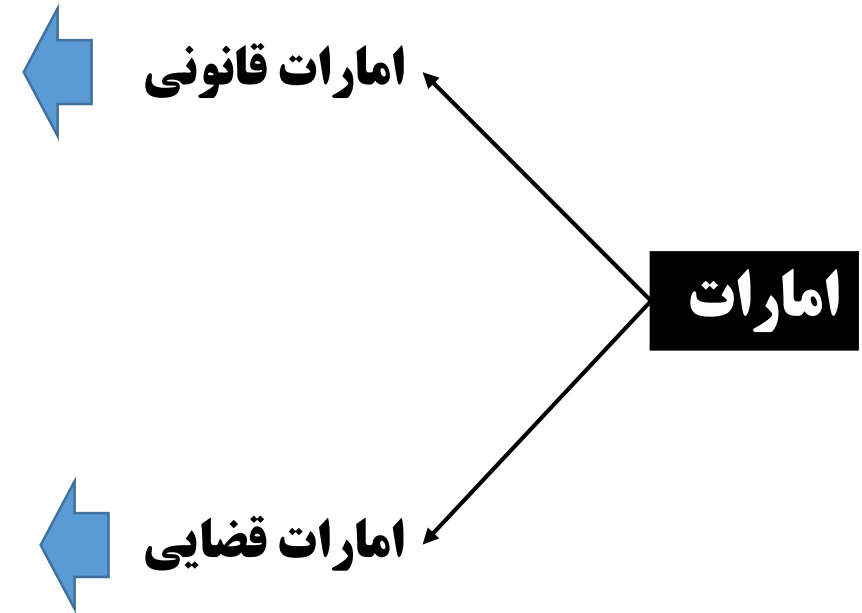
## تجزیه اقرار

# امارات

اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی، دلیل بر امری شناخته می‌شود (ماده ۱۳۲۱ ق.م).

اماراتی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده؛ مثل امارات مذکوره در قانون مدنی از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ (اماره تصرف، اماره مشترک بدون دیوار حائل یا اماره فراش) و سایر امارات مصرحه در قوانین دیگر (ماده ۱۳۲۲ ق.م). این امارات بر قاضی تحمیل می‌گردد حتی اگر باعث اقناع وجدان وی نگردد. در امارات قانونی، بار اثبات ادعای امری سخت، تا حدودی از دوش مدعی برداشته می‌شود و تعداد آن محدود به موارد ذکر شده در قانون است.

اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده و عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص آن مورد وجود دارد و در صورتی قابل استناد است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند (ماده ۱۳۲۴ ق.م). این امارات باید باعث ایجاد ظن اطمینانی در قاضی گردد و تعداد آن نیز نامحدود است.



اماره قانونی مبتنی بر ظن نوعی است؛ ولی اماره قضایی باید باعث اقناع نسبی وجدان قاضی گردد، به همین جهت در صورت تعارض بین اماره قضایی با قانونی، اماره قضایی بر آن حاکم است. همچنین سایر ادله بر اماره قانونی نیز حاکم هستند.

## کارشناسی

مواد ۲۵۷ تا ۲۶۹ ق.آ.د.م

برخی مواد قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری

قوانین مرتبط

کارشناسی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی، به معنای آن است که دادگاه در اموری که جنبه فنی و تخصصی غیر قضایی دارد، نظر متخصص امر را جویا شود و با کسب نظر از آنان، ابهاماتی را که نسبت به امور موضوعی وجود دارد، برطرف نماید.

کارشناس نیز مانند شاهد، محسوسات خود را گزارش می کند؛ با این تفاوت که کارشناس علاوه بر گزارش محسوسات خود، آنها را مورد تجزیه و تحلیل نیز قرار می دهد.

اطلاعات حاصل از نتیجه قرار کارشناسی در زمره **امارت قضایی** است.

می بایست از امور موضوعی باشد و بررسی امور حکمی وظیفه دادگاه است.

دارای جنبه فنی و تخصصی باشد.

شرایط امور قابل ارجاع به کارشناس

در امور فنی و تخصصی غیر قضایی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه، مطابقت داشته باشد، قاضی علی الاصول به آن ترتیب اثر می‌دهد.

با توجه به آنکه نظریه کارشناسی، اماره ای قضایی است، در صورت تعارض با سایر ادله یا تعارض با اوضاع و احوال معلوم، دادگاه می‌تواند ادله مزبور را بر نظریه کارشناسی ترجیح داده یا به نظریه کارشناس ترتیب اثر ندهد (ماده ۲۶۵ آ.د.م)

### لزوم تبعیت قاضی از نظر کارشناسی

دادگاه ممکن است از قرار کارشناسی عدول کند. عدول از کارشناسی ممکن است ناشی از آن باشد که قاضی، آن موضوع را دارای جنبه تخصصی و فنی ندانسته یا کارشناسی را موثر در دعوی نداند.

در محل کارشناس رسمی نباشد که نظر خیره محلی اخذ می‌گردد  
با توافق طرفین شخص خاصی تعیین گردد م ۲۶۸ آ.د.م



کارشناس باید دارای پروانه کارشناسی رسمی دادگستری باشد.

مورد وثوق دادگاه بوده و دارای صلاحیت در رشته مربوطه باشد.

### اوصاف کارشناسی

کارشناس همیشه یک شخص حقیقی است؛ جز در خصوص بررسی صحت خط، مهر، امضا و اثر انگشت که دادگاه می‌تواند به جای ارجاع موضوع به کارشناس، آن را به دایره مبارزه با جعل اداره آگاهی واگذار نماید.

نسبت به کارشناس نباید جهات رد وجود داشته باشد (ماده ۲۶۱ آ.د.م)

خبره کسی است که در موضوع دارای جنبه فنی و تخصصی، صاحب نظر است؛ ولی پروانه کارشناسی ندارد.

در صورتی که تعداد کارشناسان رشته مربوطه، زیاد باشد، کارشناس به قید قرعه انتخاب می‌شود. در صورت لزوم تعداد کارشناسان، عده منتخبین باید فرد باشد تا در صورت اختلاف نظر، نظر اکثریت ملاک عمل قرار گیرد.

در صورت تعدد کارشناسان و اختلاف نظر، در صورت تساوی تخصص، نظر اکثریت ملاک است. (ماده ۲۵۸ آ.د.م)

کارشناس مکلف به قبول امر کارشناسی و ارائه نظر است؛ مگر آن که از انجام کارشناسی در پرونده مزبور به دلیل جهات رد، ممنوع باشد یا دارای عذر موجهی در انجام کارشناسی باشد. (ماده ۲۶۱ آ.د.م)

اگر کارشناس اعم از رسمی یا خبره محلی با سوءنیت، ضمن اظهار عقیده در امر کارشناسی، برخلاف واقع چیزی بنویسد یا در اظهار عقیده کتبی خود، راجع به امر کیفری یا حقوقی تمام مآوقع را ذکر نکند یا برخلاف واقع چیزی ذکر کند یا در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سوءنیت تغییر دهد، جاعل در اسناد رسمی محسوب می‌شود. (ماده ۳۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری)

ایداع دستمزد کارشناس به عهده متقاضی است و هرگاه **ظرف مدت یک هفته** از تاریخ ابلاغ آن را پرداخت نکند، کارشناسی از اعداد دلایل وی خارج می‌شود.

هرگاه ضرورت قرار کارشناسی به نظر دادگاه باشد و دادگاه نیز نتواند بدون انجام کارشناسی انشاء رأی نماید، پرداخت دستمزد کارشناسی در مرحله بدوی به عهده خواهان و در مرحله تجدیدنظر به عهده تجدیدنظرخواه است، در صورتی که در مرحله بدوی دادگاه نتواند بدون نظر کارشناس حتی با سوگند نیز حکم صادر نماید، دادخواست ابطال می‌گردد و اگر در مرحله تجدیدنظر باشد تجدیدنظرخواهی متوقف ولی مانع اجرای حکم بدوی نخواهد بود. (ماده ۲۵۹ آ.د.م)

در قالب قراری به نام قرار کارشناسی، اجرا می‌شود.

این قرار در شمار قرارهای اعدادی است؛ یعنی در دراستای رسیدگی به ماهیت دعوی است.

قاضی می‌تواند به درخواست یکی از طرفین یا رأساً این قرار را صادر کند. (ماده ۲۵۷ آ.د.م)

قرار کارشناسی ممکن است در هر یک از محاکم بدوی یا دادگاه تجدیدنظر صادر شود.

قرار کارشناسی به طرفین ابلاغ نمی‌شود و علی‌الاصول برای انجام کارشناسی نیاز به تعیین وقت دادرسی و دعوت از طرفین دعوا نیست.

قرار کارشناسی از جانب طرفین، قابل شکایت نیست.

در مواردی که انجام معامله، متضمن تعیین قیمت عادلانه روز آن توسط کارشناس باشد، نظریه کارشناس ۶ ماه از تاریخ صدور معتبر است (تبصره ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری)

موضوعی که کارشناس درباره آن، باید اظهار نظر نماید.

نام کارشناس یا کارشناسان

دستمزد علی‌الحساب

طرفی که تأدیه دستمزد کارشناس بر عهده اوست

مهلت کارشناس برای ارائه نظر

ویژگی‌های قرار کارشناسی

ارکان قرار کارشناسی

کارشناس باید نظر خود را به طور کتبی تقدیم کند. (ماده ۲۶۳ آ.د.م)

نظر کارشناس باید مستدل صریح و قاطع باشد؛ در غیر این صورت باید از او أخذ توضیح شود یا درخواست شود که نظریه اش را تکمیل کند. (ماده ۲۶۳ آ.د.م)

## اوصاف نظر کارشناس

نظریه کارشناس اعم از نظریه کارشناس منتخب دادگاه و نظریه کارشناس مرضی الطرفین، **ظرف هفت روز** قابل اعتراض است؛ اما اگر طرفین دعوا بنا به تبصره ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م و بند ۲ ماده ۳۶۹ ق.آ.د.م با تراضی یکدیگر رأی کارشناس را قاطع دعوی دانسته باشند در این صورت نظر آن کارشناس، قابل اعتراض نیست.

اعتراض به نظر کارشناس، می‌بایست کتبی باشد.

پذیرش این اعتراض و ارجاع امر به کارشناس مجدد، بستگی به آن دارد که دادگاه جهات و ادله اعتراض را کافی بداند.

تأدیه دستمزد کارشناسانی که پس از اعتراض تعیین می‌شوند، با معترض است.

اگر هیچ یک از طرفین در مهلت مقرر به نظریه کارشناس اعتراض نکنند؛ ولی دادگاه آن نظریه را خلاف اوضاع و احوال مسلم قضیه بداند، نباید به نظریه کارشناس توجه کند.

## اعتراض به نظر کارشناس

طرفین اختلاف می‌توانند از دادگاه بخواهند که از کارشناس اخذ توضیح کند یا از کارشناس بخواهد که نظریه تکمیلی بدهد. همچنین ممکن است دادگاه رأساً نظر کارشناس را مبهم یا ناقص بداند و اخذ توضیح یا تکمیل نظریه کارشناسی را لازم بداند.

اگر کارشناس در وقت مقرر برای بیان توضیح یا تکمیل نظریه کارشناسی حاضر نشود، جلب خواهد شد. (ماده ۲۶۳ آ.د.م)

اگر بعد از اخذ توضیح کارشناس، دادگاه همچنان کارشناسی را ناقص بداند قراری به نام قرار تکمیل کارشناسی صادر و تکمیل نظریه را به همان کارشناس یا کارشناس دیگر واگذار می‌کند. (ماده ۲۶۳ آ.د.م)

تکمیل نظریه کارشناسی ناظر به حالتی است که کارشناس نسبت به برخی از عناصر موجود در قرار کارشناسی اظهار نظر صریحی نکرده است؛ اما در مواردی که قاضی بخواهد عناصر جدیدی را به قرار کارشناسی بیفزاید و موضوعات جدیدی را به کارشناسی ارجاع دهد، نمی‌تواند از سازوکاری که در این مبحث بیان شد استفاده کند؛ بلکه باید قرار کارشناسی دیگری صادر و امور جدید را مجدداً به کارشناسی ارجاع دهد.

هرگاه یکی از اصحاب دعوا از تخلف کارشناس متضرر شده باشد، در صورتی که تخلف کارشناس، سبب اصلی در ایجاد خسارات به متضرر باشد می‌تواند از کارشناس مطالبه ضرر نماید. (ماده ۲۶۷ آ.د.م)

## معاینه محل

معنای محل، به معنای مشاهده و بررسی محل وقوع دعوا یا محل وقوع حق یا مال موضوع اختلاف، توسط قاضی جهت درکی بهتر از موضوع اختلاف است.

در قالب قراری به نام قرار معاینه محل، اجرا می شود.

معاینه محل، اغلب در خصوص دعاوی غیرمنقول مطرح است؛ هرچند در خصوص دعاوی منقول هم قابل اعمال است.

معاینه محل، در اموری مطرح است که نیازمند تخصص خاصی نیست؛ والا معمولاً قرار کارشناسی صادر می گردد. البته منعی ندارد، قرار کارشناسی و قرار معاینه محل، به صورت توأمان صادر گردد.

اوصاف معاینه محل

# تحقیق محلی

به معنای تحقیق از اهل محل، جهت کسب اطلاع از ایشان در امور موضوعی است. در حقوق اسلام به آن استفاضه گویند.

تفاوت تحقیق محلی و شهادت در این است که در تحقیق محلی، مطلعین محلی اطلاعات و دانستی‌های مستقیم و غیرمستقیم خود را بیان می‌کنند؛ اما در شهادت شهود، آنچه را که خود مستقیماً دیده یا شنیده بوده‌اند، بیان می‌نمایند.

در قالب قراری به نام قرار تحقیق محلی، اجرا می‌شود.

در تحقیق محلی، برخلاف شهادت لازم نیست که متقاضی تحقیق محلی به طور دقیق اسامی مطلعین را ذکر نماید. (ماده ۲۴۹ آ.د.م)

طرفین دعوا می‌توانند اشخاصی را برای کسب اطلاع از آنان، در محل حاضر و به گواهی آنها تراضی کنند. (ماده ۲۵۳ آ.د.م)

طریقه تحقیق در تحقیق محلی از هر حیث، شبیه طریقه استماع شهادت شهود است؛ برای مثال به مطلعین مسؤولیت شرعی، مدنی و کیفری شهادت کذب تذکر داده می‌شود و اگر اصحاب دعوا سؤالی داشته باشند می‌توانند توسط قاضی از ایشان پرسند. (ماده ۲۵۲ آ.د.م)

مطلعین یک طرف از جانب طرف دیگر، قابل جرح هستند (ماده ۲۵۰ آ.د.م).

اوصاف تحقیق محلی

هر دو قرار از جمله قرارهای اعدادی محسوب می شوند.

اطلاعات حاصل از این نتایج این دو قرار، از امارات قضایی محسوب می گردد که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا مؤثر در آن باشد. (ماده ۲۵۵ آ.د.م)

قاضی می تواند به درخواست یکی از طرفین یا رأساً این قرارها را صادر کند.

صدور این قرارها، ولو اینکه یکی از طرفین دعوا درخواست کرده باشد، منوط به آن است که قاضی آن را در رسیدگی به دعوا و کشف واقع، مؤثر بداند. این قرارها از جانب طرفین، قابل شکایت نیست.

این دو قرار، توسط هر یک از دادگاههای بدوی یا تجدیدنظر قابل صدور است.

اجرای این قرارها با شخص قاضی یا دادرس علی البدل است (ماده ۲۵۰ آ.د.م) متصدی اجرای قرار از نتیجه تحقیقات یا معاینه محل، می بایست صورت جلسه تنظیم و به امضای مطلعین و اصحاب دعوا رساند.

برای اجرای این دو قرار، باید زمان و مکان اجرا به طرفین ابلاغ شود. عدم حضور یکی از طرفین دعوا مانع اجرای قرار نیست؛ اما عدم حضور هر دو طرف، مانع اجرای این قرارها است؛ زیرا شخصی که تهیه وسایل اجرای قرار بر عهده اوست، باید وسایل اجرای قرار را آماده کند و شهود را به قاضی معرفی نماید.

صلح و سازش صورت گرفته در نزد قاضی مجری قرار تحقیق محلی یا معاینه محل، در حکم صلح و سازش در دادگاه است و بنابراین گزارش اصلاحی صادر می شود.

اقراری که نزد قاضی مجری قرارهای مذکور به عمل می آید، در حکم اقرار در دادگاه است.

قاضی رأساً قرار را صادر کرده باشد

در مرحله بدوی: فراهم کردن وسیله و تأدیه هزینه بر عهده خواهان است و در صورت عدم فراهم کردن وسیله یا تأدیه هزینه، قرار ابطال دادخواست بدوی صادر می‌شود. (ماده ۲۵۶ آ.د.م)

در مرحله تجدیدنظر بر عهده تجدیدنظر خواه است و در صورت عدم فراهم کردن وسیله یا عدم تأدیه هزینه، رسیدگی تجدیدنظر به موجب قرار توقیف دادرسی متوقف شده و رأی بدوی، قطعی و قابل اجرا می‌شود. (ماده ۲۵۶ آ.د.م) البته در هر زمان که تجدیدنظر خواه وسایل اجرای قرار را فراهم کند، رسیدگی به تجدیدنظر خواهی ادامه می‌یابد.

در مرحله و اخواهی علی الاصول بر عهده و اخواه است؛ بدین نحو که اگر این قرار، جهت رسیدگی و اخواهی و برای رسیدگی به ادعاهای و اخواه لازم باشد، هزینه آن بر عهده و اخواه است که در صورت عدم تأدیه قرار ابطال دادخواست و اخواهی صادر می‌شود؛ اما اگر این قرار، برای رسیدگی به ادعاهای خواهان بدوی لازم باشد هزینه آن بر عهده خواهان بدوی یا و اخوانده است که در صورت عدم تأدیه رأی صادره نقض و قرار ابطال دادخواست بدوی صادر می‌گردد.

قاضی به درخواست یکی از طرفین قرار را صادر کرده باشد

بر عهده متقاضی است و در صورت عدم تهیه یا تأدیه هزینه یا وسیله اجرای قرار، این درخواست از اعداد دلایل او خارج می‌شود.